

جستاری پیرامون ارزش دفتری و مبلغ دفتری

واژگان حسابداری مجموعه‌ای از اصطلاح‌های درون ساخته‌ی دانش حسابداری و نیز اصطلاح‌های برگرفته از دیگر دانش‌های اجتماعی است

مقدمه

تسا پیش از انتشار رهنمودهای حسابداری در سال ۱۳۷۷ و سپس استانداردهای حسابداری در سال ۱۳۸۰، در نشریه شماره ۲۴ موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، با عنوان شرکت سهامی عام نمونه، که در سال ۱۳۶۱ منتشر شد، و در پیوست نشریه شماره ۷۶ سازمان حسابرسی با عنوان صورتهای مالی اساسی، که در سال ۱۳۶۶ منتشر شد نمونه‌هایی از صورت‌خلاصه داراییهای ثابت به‌عنوان یادداشت همراه صورتهای مالی ارائه شد که در آنها

حمیدرضا علمشاهی

در استاندارد حسابداری شماره ۱۱-

حسابداری داراییهای ثابت مشهود - اصطلاح مبلغ دفتری با مفهوم ارزش ترازنامه‌ای دارایی به‌کار گرفته شد و برپایه آن، در یادداشتهای همراه صورتهای مالی نمونه که، در نشریه شماره ۱۳۷ سازمان حسابرسی پیشنهاد شده است، اصطلاح مبلغ دفتری جایگزین ارزش دفتری در صورت‌خلاصه داراییهای ثابت شد.

با این جایگزینی احتمالاً این پرسش نیز برای شماری از همکاران در حرفه مطرح شده است که تفاوت این دو اصطلاح در چیست و اساساً چرا چنین جایگزینی صورت پذیرفته است.

این پرسش، دستمایه این

نوشتار درباره اصطلاحهای حسابداری و چگونگی تعاریف آنها در استانداردها و فرهنگهای حسابداری است که ضمن آن به

الگوی تهیه یادداشتهای همراه صورتهای مالی در بیشتر واحدهای انتفاعی بود. اما در رهنمود حسابداری شماره ۱۱ و پس از آن

اصطلاح ارزش دفتری برای بازتاب ارزش داراییهای ثابت در تاریخ ترازنامه به‌کار می‌رفت. همین صورت‌خلاصه نمونه، سالها



تعاریف ارائه شده برای اصطلاحهای پیش گفته نیز پرداخته می‌شود.

جستاری در اصطلاحهای حسابداری ارزش دفتری و مبلغ دفتری

چامسکی در تشریح نظریه زبانشناسی خود با عنوان دستور گشتاری - زایشی، واژگان زبان را مجموعه‌ای از مدخلهای واژگانی معرفی می‌کند که هر یک از مدخلها از مشخصه‌های آوایی، معنایی و نحوی برخوردارند و سپس درباره مشخصه معنایی می‌افزاید، "مشخصه‌های معنایی باید کاملاً انتزاعی باشند و علاوه بر این احتمالاً باید انواعی از پیوندهای درونی میان آنها برقرار باشد که گاه ساخت میدانی نامیده می‌شود." تبعاً اصطلاحهای علمی رایج در یک زبان به‌عنوان وابستگان واژگان آن زبان نیز از چنین تعاریف واژگانی برخوردارند.

در واقع وجود تعاریف روشن و رسا از اصطلاحهای به‌کار گرفته شده در یک دانش، لازمه درک و کاربست اثربخش آن دانش به‌شمار می‌آید و دانش حسابداری نیز در این مورد نه تنها از دانشهای دیگر مستثنی نیست بلکه به‌دلیل ارتباط ذاتی آن با اقتصاد، حقوق، بازرگانی و مدیریت مالی از جایگاه ویژه‌ای نیز برخوردار است.

برجسته‌ترین نمود در اثربخشی تعاریف موجود از اصطلاحهای حسابداری، در استفاده از گزارشهای گوناگون مالی و به‌ویژه صورتهای مالی با مقاصد همگانی نهفته است. بدون وجود تعاریف روشن از اصطلاحات به‌کار رفته در گزارشهای مالی تهیه شده، این‌گونه گزارشها نامفهوم یا مبهم خواهند بود و درست به‌همین دلیل است که بخشی از استانداردهای حسابداری به‌عنوان مبنای تهیه و انتشار صورتهای مالی نیز به تعاریف اصطلاحهای به‌کار رفته در متن

استاندها اختصاص یافته است تا از موارد ابهام پیشگیری شود.

واژگان حسابداری مجموعه‌ای است از اصطلاحهای درون ساخته دانش حسابداری و نیز اصطلاحهای برگرفته از دیگر دانشهای اجتماعی مرتبط با آن، اصطلاحهای درون ساخته حسابداری توسط حسابداران و انجمنها و هیئتهای حسابداری و برای اهداف نظری و کاربردی حسابداری ساخته شده‌اند و از این رو از تعاریفی صرفاً حسابداری نیز برخوردارند.

نکته شایان توجه در تعاریف اصطلاحهای حسابداری و به‌ویژه اصطلاحهای درون ساخته حسابداری همانا پیوند درونی میان آنهاست. بسیاری از اصطلاحهای حسابداری بر پایه و در ارتباط با دیگر اصطلاحهای حسابداری تعریف پذیرند و هرگونه نقص، ابهام یا تغییر در هر یک از تعاریف ارائه شده، با آثار پیوسته‌ای در سایر تعاریف همراه است.

در ادامه بحث دیده خواهد شد که چگونه اصطلاح مبلغ دفتری در ارتباط با مفاهیم و تعاریف بهای تمام شده تاریخی، تداوم فعالیت و ارزش دفتری تعریف پذیر است.

بهای تمام شده تاریخی

در اقتصاد گفته می‌شود کالاها هنگامی اقتصادی به‌شمار می‌آیند که ارزشمند باشند. بنابراین برای اینکه کالایی اقتصادی به‌شمار آید باید از ویژگیهای کیفی و کمی تعریف شده‌ای برخوردار باشد که مجموعاً ارزشمند بودن آن کالا را موجب شوند.

سودمندی و مبادله‌پذیری، ویژگیهای کیفی و کمی لازم برای ارزشمندی یک کالا به‌شمار می‌آیند. کالایی ارزش استفاده^۱ خواهد داشت که سودمند باشد و در تامین نیازهای انسانی بکار آید. با این ویژگی،

چنین کالایی مبادله‌پذیر نیز می‌گردد یعنی می‌تواند با سایر کالاهای مورد نیاز پایاپای شود پس دارای ارزش مبادله^۲ نیز خواهد بود. بنابراین می‌توان گفت ارزش اقتصادی یک کالا آمیزه‌ای از ارزش استفاده به‌عنوان ارزش کیفی^۳ از یک سو، و ارزش مبادله به‌عنوان ارزش کمی^۴ آن کالا از سوی دیگر است. هر چند که ارزش کیفی کالاها لزوماً متناسب با ارزش کمی آنها نیست. ارزش استفاده از آهن بسیار بیشتر از ارزش استفاده از طلا است در حالی که ارزش مبادله آهن بسیار کمتر از ارزش مبادله آن با طلا است و از همین رو است که اندکی زر به چندی از آهن می‌ارزد.

اگر چه ارزش استفاده مفهومی است کیفی و بنابراین غیرعینی و اندازه‌ناپذیر اما در برابر آن ارزش مبادله مفهومی است کمی و از این رو عینی و اندازه‌پذیر که وجود این‌گونه ارزش خود مستلزم وجود ارزش استفاده است.

ارزش کمی به مفهوم دانش اقتصاد، اساس اندازه‌گیریهای حسابداری است و مفهوم اساسی مبادله، اعم از انجام شده یا انجام‌پذیر، در تعریف ارزش (بهای تمام شده) تاریخی^۵، ارزش جاری^۶، ارزش جاری بازار^۷، ارزش خالص بازیافتنی^۸ و ارزش کنونی خالص^۹ به‌عنوان صفات^{۱۰} قابل اندازه‌گیری در حسابداری نهفته است.

تا پیش از پیدایش پول به‌عنوان ایاره (ارزش) مبادله‌ای کالاها، ارزش مبادله‌ای هر کالا در تبادل با کالای دیگر تعیین می‌شد. اما در مبادلات امروزی که عمدتاً توسط پول انجام می‌شود، قیمت‌های نسبی کالاها، شکل پولی ارزشهای مبادله‌ای کالاها به‌شمار می‌آیند، قیمت‌هایی که یا در مبادلات انجام شده تحقق می‌یابند و به آنها قیمت‌های مبادله تاریخی^{۱۱} یا قیمت‌های تحصیل^{۱۲} می‌گویند یا در مبادلات انجام‌پذیر تحقق

خواهند یافت و با عنوان **قیمت‌های جاری**^{۱۳} خوانده می‌شوند.

در فرهنگ بازرگانی کالینز، واژه قیمت چنین تعریف شده است: "مبلغ پولی درخواست شده یا پرداخت شده در مبادله کالاها یا خدمات".

در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، در مبحث اندازه‌گیری در صورت‌های مالی آمده است: "یکی از معیارهای شناخت یک عنصر در صورت‌های مالی این است که آن عنصر را بتوان با قابلیت اتکای کافی به مبلغ پولی اندازه‌گیری کرد، شناخت اولیه اغلب از یک معامله مانند خرید دارایی نشأت می‌گیرد. بنابراین داراییها و بدهیها در بدوامر، معمولاً به بهای معامله ثبت می‌شوند در این مقطع بهای تمام شده تاریخی ثبت شده، معادل بهای جایگزینی است." (بند ۵-۲) و در ادامه در تشریح کاربرد و جوه قابل اندازه‌گیری پیش گفته در نظامهای اندازه‌گیری در حسابداری، افزوده شده است: "نظامهای اندازه‌گیری گوناگونی وجود دارد که می‌توان آنها را در حسابداری به کار گرفت. مهمترین ویژگی متمایزکننده آنها از یکدیگر، اتکا بر بهای تمام شده تاریخی یا ارزش جاری است. جهت تبیین اصول اندازه‌گیری، تمرکز بر این وجه تمایز مفید است و از این رو بحث آتی در قالب بهای تمام شده تاریخی و ارزش جاری ارائه می‌شود. سایر نظامهای اندازه‌گیری را می‌توان به عنوان گونه‌های دیگری در چارچوب دو طبقه کلی یاد شده مورد بحث قرار داد." (بند ۵-۱۰) و سپس در معرفی بیشتر نظام بهای تمام شده تاریخی ثبت شده، اضافه می‌کند: "در یک نظام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی، داراییها و بدهیها به ارزش زمان تحصیل اندازه‌گیری می‌شوند و این ارزش معمولاً بهای تحصیل است. بدین ترتیب، بهای تمام شده

تاریخی، دارای دو خاصیت مهم است. خاصیت اول مبتنی بودن آن بر معاملات است و خاصیت دوم این است که بهای تمام شده تاریخی بیانگر ارزش جاری در زمان تحصیل است." (بند ۵-۱۱)

و سرانجام در استاندارد حسابداری شماره ۱۱- حسابداری داراییهای ثابت مشهود - بهای تمام شده دارایی را چنین تعریف می‌کند: "بهای تمام شده عبارت است از مبلغ وجه یا معادل نقد پرداختی یا ارزش منصفانه سایر مابه‌ازاهایی که جهت تحصیل یک دارایی در زمان تحصیل آن واگذار شده است."

چنین تعریفی از بهای تمام شده با اندکی تفاوت در بخش تعاریف استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۶ با عنوان اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات بازتاب دارد: "بهای تمام شده عبارت است از مبلغ وجه نقد یا معادل نقد پرداختی یا ارزش منصفانه سایر مابه‌ازاهای واگذار شده برای تحصیل یک دارایی در زمان تحصیل یا ساخت آن." به این ترتیب در تعریف استاندارد بین‌المللی حسابداری از بهای تمام شده، ساخت دارایی، به عنوان شیوه‌ای مستقل از دیگر شیوه‌های تحصیل دارایی مورد اشاره قرار گرفته است.

تداوم فعالیت واحدهای انتفاعی اساساً برای مدت نامحدود تشکیل می‌شوند و این موضوع در اساسنامه بیشتر این واحدها انعکاس دارد. بی‌گمان محتمل‌ترین وضعیت برای واحدهای انتفاعی نوبنیاد نیز، ادامه فعالیت طولانی مدت آنها است و می‌توان آنها را به عنوان واحدهای انتفاعی دیرپا فرض کرد. چنین فرضی خود از مفروضات بنیادین حسابداری به‌شمار می‌آید، یعنی فرض تداوم فعالیت.

در استاندارد حسابداری شماره ۱- نحوه ارائه صورت‌های مالی - تداوم فعالیت چنین تعریف شده است: "تداوم فعالیت به معنای ادامه عملیات واحد تجاری در آینده قابل پیش‌بینی است. یعنی در تهیه و ارائه صورت‌های مالی، هیچ قصد یا الزامی به انحلال واحد تجاری یا کاهش قابل توجه در حجم عملیات واحد تجاری فرض نمی‌شود" (بند ۲۱).

تاثیرات اساسی چنین فرضی بر روی گروه‌بندیها و اندازه‌گیریهای حسابداری است. با فرض تداوم فعالیت، داراییها و بدهیهای واحدهای انتفاعی به گروههای کوتاه‌مدت و بلندمدت تفکیک پذیرند زیرا بخشی از داراییها به‌عنوان داشته‌های اقتصادی واحدهای انتفاعی در عملیات آینده آنها نیز قابل بهره‌برداری است و از این رو از منافع اقتصادی آتی برخوردارند بنابراین پرداختهای بعدی نیز از محل این گونه منافع اقتصادی آتی امکان‌پذیر خواهد بود و به همین دلیل نیز ضرورتی برای اندازه‌گیری و ثبت داراییها برحسب ارزشهای واگذاری و تسویه آنها وجود ندارد. در این رابطه در بند ۴-۳۵ مفاهیم نظری گزارشگری مالی آمده است: "در مواردی که انجام مخارج منجر به منفعی گردد که طی چند دوره مالی حاصل می‌شود و ارتباط این مخارج با ایجاد درآمدهای مشخص را تنها بتوان به‌طور کلی یا غیرمستقیم تعیین کرد و به‌علاوه ارزش دارایی را در پایان هر دوره نتوان به‌طور مستقیم و با قابلیت اتکای کافی تعیین کرد آنگاه فرض معقول آن است که دارایی طی عمر مورد انتظار آن به‌طور سیستماتیک کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، دارایی پس از شناسایی، بر مبنای سیستماتیک کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، دارایی پس از شناسایی، بر مبنای سیستماتیک

طی دوره‌هایی که منافع آن حاصل می‌شود، مستهلک می‌گردد..."

پس با فرض تداوم فعالیت، استهلاك به‌عنوان کاهش تدریجی و پیوسته در ارزش داراییهای استهلاك پذیر در اثر بهره‌برداری در طی عمر مفید آنها و یا گذشت زمان تعریف می‌شود و شناسایی و گزارشگری آن نیز مستلزم آن است که مخارج سرمایه‌ای در زمان وقوع به بهای تمام شده اندازه‌گیری و بسته به مورد در حسابهای مختلف دارایی غیرجاری ثبت شوند و متقابلاً به موازات استفاده از این گونه داراییهای سرمایه‌ای، هرگونه استهلاك^{۱۴} مربوط به آنها اندازه‌گیری و در حساب کاهنده داراییها با عنوان استهلاك انباشته ثبت گردد.

ارزش دفتری و مبلغ دفتری

مبلغ حاصل از تقابل هر حساب دارایی غیرجاری و حساب استهلاك انباشته مربوط به آن، نشان‌دهنده ارزشی پولی است که در اصطلاح حسابداری، ارزش دفتری^{۱۵} نامیده می‌شود.

ارزش دفتری به‌عنوان یک اصطلاح حسابداری در فرهنگ امور مالی و بانکداری اکسفورد چنین تعریف شده است: "ارزش یک دارایی آنچنان که در دفاتر حسابداری یک سازمان ثبت شود. این ارزش معمولاً برابر است با بهای تمام شده تاریخی دارایی منهای مبالغ محسوب شده برای استهلاك آن. اگر دارایی تجدید ارزیابی شده باشد ارزش دفتری آن برابر با مبلغ تجدید ارزیابی شده منهای مبالغ محسوب شده بعدی برای استهلاك آن خواهد بود."

با این تعریف، روشن است که ارزش دفتری به‌عنوان ارزش پولی استخراج‌پذیر از دفاتر حسابداری، در هر برهه‌ای از دوره مالی از اندازه‌های متفاوتی برخوردار خواهد بود که مبالغ آن در دفاتر با محاسبه و

ثبت استهلاك دارایی در هر تاریخ مشخص می‌شود. به این ترتیب مبلغ دفتری یک دارایی ثابت در تاریخ ترازنامه، نشان‌دهنده ارزش ترازنامه‌ای آن دارایی یا همان ارزش دفتری دارایی در پایان دوره مالی خواهد بود. مبلغ دفتری^{۱۶} در این معنا در فرهنگ حسابداری اکسفورد چنین تعریف شده است: "ارزش ترازنامه‌ای یک دارایی یا بدهی. برای مثال با استفاده از نظام حسابداری بهام تمام شده تاریخی، یک دارایی ثابت مانند، یک ساختمان به بهای تمام شده تاریخی منهای استهلاك انباشته تا تاریخ ترازنامه نشان داده می‌شود. به موجب قواعد حسابداری گزینه می‌توان آن را به مبلغ باز ارزیابی شده منهای استهلاك انباشته تا تاریخ ترازنامه نشان داد."

بازتاب چنین تعریفی را در استانداردهای حسابداری بین‌المللی و ملی نیز شاهدیم، در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۶، مبلغ دفتری به‌عنوان مبلغی که یک دارایی پس از کسر هرگونه استهلاك انباشته مربوط، به آن مبلغ در ترازنامه منعکس می‌شود، تعریف شده است. شبیه این تعریف از مبلغ دفتری در استاندارد حسابداری شماره ۱۱- حسابداری داراییهای ثابت مشهود - نیز انعکاس دارد. بنابراین در هر دو استاندارد حسابداری، اصطلاح مبلغ دفتری با مفهوم خاص ارزش دفتری یعنی همان مفهوم ارزش ترازنامه‌ای دارایی ثابت به کار گرفته شده است.

دستورمندی، برابر معنایی و نقش دستوری مبلغ دفتری، ترکیبی وصفی است متشکل از اسم مشتق مبلغ و صفت نسبی دفتری، واژه مبلغ از مشتقات تازی وارده در زبان فارسی است که برابرهایی معنایی فارسی آن، جای رسیدن، اندازه و بلنج است و در این دو معنای واپسین در فرهنگهای

فارسی معاصر (از جمله معین و عمید) اندازه و مقدار پولی آورده شده است، در ترکیب بالا، واژه "مبلغ" را صفت نسبی "دفتری"، ساخته شده از اسم دفتر (معرب یونانی *diftra*)، توصیف می‌کند. از پیوند این ترکیب وصفی با واژه‌های دارایی و بدهی ترکیبهای اضافی با کاربرد نوشتاری و گفتاری به‌دست می‌آید. نقش دستوری عبارت مبلغ دفتری در این گونه ترکیبهای اضافی، نقش مضاف است.

و اما اصطلاح حسابداری مبلغ دفتری، به‌عنوان برابر نهاده‌ی فارسی برای اصطلاح *carrying amount* در زبان انگلیسی است که این ترکیب در زبان انگلیسی خود متشکل است از گهواژ واژه (اسم مصدر) *carrying* برگرفته از مصدر *carry* با معنی انتقال دادن، شامل بودن و درج کردن و نیز اسم عام *amount* (از ریشه‌ی لاتین *mons* به معنای کوه و بلندی) که برابرهایی فارسی آن در فرهنگ معاصر به ترتیب ۱- جمع، سرجمع، کل ۲- مبلغ، مبالغ ۳- مقدار، تعداد، اندازه و در فرهنگ هزاره بترتیب: جمع، سرجمع، کل - مبلغ - مقدار، میزان - اهمیت، اعتبار و ارزش تعیین شده‌اند و تعریف ارائه شده در استانداردهای حسابداری برای این اصطلاح، همان‌گونه که تا این جا دیدیم، ارزش ترازنامه‌ای دارایی است.

اما در ادبیات حسابداری، در مواردی که ارزشهای دفتری در تاریخهایی غیر از ترازنامه مورد اشاره قرار دارند، اصطلاح مبلغ دفتری با مفهوم ارزش غیر ترازنامه‌ای دارایی یا بدهی نیز به کار گرفته می‌شود. حتی این گونه کاربست اصطلاح مبلغ دفتری را آشکارا در مبحث اندازه‌گیری سود و زیان معاوضه داراییها و مازاد تجدید ارزیابی در تجدید ارزیابی داراییها در استاندارد حسابداری شماره ۱۱ شاهدیم (بند ۲۰ و ۴۷ استاندارد)

- 4- Oxford Dictionary of Accounting-Oxford University Press, 1999.
5- Oxford Dictionary of Finance and Banking-Oxford University Press, 1997.

ت - سایر مراجع

- ۱ - باطنی، محمدرضا - نگاهی به دستور زبان، انتشارات آگاه، ۱۳۷۵
۲ - تیموری، حبیب... - ارزش، پول، تورم - سازمان حسابرسی، ۱۳۷۴
۳ - جامسکی، نوام - زبان و ذهن، ترجمه کورش صفوی، نشر هرمس، ۱۳۷۹
۴ - سازمان حسابرسی - شرکت سهامی عام نمونه، صورتهای مالی، ۱۳۷۸
۵ - عالی‌ور، عزیز - صورتهای مالی اساسی - سازمان حسابرسی، ۱۳۶۶
۶ - کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری - رهنمودهای حسابداری - سازمان حسابرسی، ۱۳۷۸
۷ - کمیته فنی سازمان حسابرسی - استانداردهای حسابداری - سازمان حسابرسی، ۱۳۸۰
۸ - هیئت تدوین استانداردهای حسابداری - مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی در ایران - سازمان حسابرسی، ۱۳۷۶

- 9- International Accounting Standards Committee, International Accounting Standards (IAS 1999)

- 11- historical exchange prices
12- acquisition prices
13- current prices
14- depreciation (استهلاک داراییهای مشهود)
amortization (استهلاک داراییهای نامشهود)
depletion (استهلاک داراییهای نقصان‌پذیر)
15- book value
16- carrying amount
17- sense division
18- terminology

منابع

الف - فرهنگهای فارسی

- ۱ - رازی، فریده - فرهنگ واژه‌های فارسی سره برای واژه‌های عربی در فارسی معاصر - نشر مرکز، ۱۳۷۵
۲ - عمید، حسن - فرهنگ فارسی عمید - انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷
۳ - منسیری، مهشید - فرهنگ زبان فارسی - انتشارات بیکان، ۱۳۷۱
۴ - معین، محمد - فرهنگ فارسی معین - نشر سراسر، ۱۳۸۰
ب - فرهنگهای انگلیسی به فارسی
۱ - باطنی، محمدرضا - فرهنگ انگلیسی - فارسی معاصر - نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴ (ویرایش اول).
۱۳۷۷ (ویرایش دوم)
۲ - حق‌شناس، علی‌محمد - سامعی، حسین - انتخابی، نرگس - فرهنگ هزاره - نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹
۳ - حبیب، سلیمان - فرهنگ انگلیسی - فارسی حبیب - نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲ (ویرایش سوم)
۴ - عربی، علی‌اکبر - فرهنگ تحلیلی واژه‌های انگلیسی - انتشارات کارون، ۱۳۷۳

پ - فرهنگهای تخصصی

- ۱ - انجمن حسابداران خبره کانادا - فرهنگ حسابداران - ترجمه نفوی، مهدی - انتشارات فروردین، ۱۳۶۹.
۲ - سجادی‌نژاد، حسن و اکبری، فضل... - فرهنگ اصطلاحات حسابداری - سازمان حسابرسی، ۱۳۷۶.
3- Business Dictionary-Collins Gem.

از این لحاظ اصطلاح carrying amount مترادف با اصطلاحهای book value, carrying value ارزش دفتری قرار می‌گیرد. carrying amount در این معنا در فرهنگ اصطلاحات حسابداری تالیف زنده یاد استاد سجادی‌نژاد و استاد دکتر اکبری، چنین منعکس شده است: مترادف با book value و به معنی ارزش مال به مبلغی که در دفاتر ثبت شده است.

net carrying value به معنی ارزش دفتری پس از وضع استهلاک و gross carrying value به ارزش بدون استهلاک یا بهای تجدید ارزیابی شده دارای اطلاق می‌شود.

بنابراین اصطلاح مبلغ دفتری بسته به جایگاه آن در متن حسابداری، می‌تواند مفهوم عام ارزش دفتری یعنی ارزش غیر ترازنامه‌ای یک قلم دارایی را نیز در برداشته باشد. به این ترتیب با ویژگی دسته‌بندی معانی^{۱۷} در ارتباط با تعریف این اصطلاح در حوزه اصطلاح‌شناسی^{۱۸} حسابداری روبرو می‌شویم یعنی کاربرد یک اصطلاح با یک نقش دستوری ولی با معانی متفاوت در متون مختلف.

پی‌نوشت

- 1- value in use
2- value in exchange
3- qualitative value
4- quantitative value
5- historical cost
6- current value
7- current market value
8- net realizable value
9- net present value
10- attributes

تسلیم

آقای نصرت‌الله نادری

مدیریت ریسک و کنترل بانک پارسیان

مصیبت وارده را تسلیم عرض نموده، بقای عمر شما و بازماندگان شما را آرزو مندیم.

انجمن حسابداران خبره ایران